

## سرمقاله

## بزرگداشت از روز جهانی زن، تناقضی آشکار در افغانستان

محمد رضا هویدا

یکی از تناقض های جدی و جالب در افغانستان که هر ساله، حد اقل یک بار آشکار می شود، فرارسیدن هشتم مارچ است. این روز، برای حکومت، نهادهای مدنی، احزاب و شخصیت های سیاسی، نهادهای حقوق بشری و مردم افغانستان، روزی پر از تناقض و تضاد است.

در این روز، سیاستمداران و دولتمردانی که اکثرشان تا هنوز حتی یک بار با خانمها، دختران و یا خواهران شان در هیچ جمع، جلسه، محافل و مراسم های عمومی، رسانه های گروهی و... دیده نشده است، با لبهای خندان و چهره های بشاش، از روز زن و حقوق زن و بایدها و نبایدهای زنان می گویند و چنان در این امر افراط می کنند که گویی به راستی به آنچه می گویند باور دارند و عمل می کنند.

تناقضی که میان گفتار و رفتار این گونه سیاستمداران و دولتمردان و صاحبان منصبان وجود دارد به راستی تامل برانگیز است. آنها چرا زنان خود را در پشت دیوارهای کانگریتی مجهز به سیم خاردار و کمره های امنیتی مخفی می کنند؟

بعد از سقوط طالبان حکومت های منتخب افغانستان، وزارتی را به نام وزارت زنان ساخته اند تا جوابی باشد برای کشورهای حامی افغانستان که نگران وضعیت حقوق زنان هستند. این وزارت، تقریباً در رده وزارت خانه های رده سوم حساب می شود. وزارت هایی که گفته می شود تنها پالیسی می سازند و کار عملی دیگری ندارند. نسه بودجه چندانی دارند و نه در عمل کاری برای انجام. از یک نگاه، می توان این وزارت را بزرگ ترین توهین به زنان و حقوق زنان در افغانستان دانست. ده ها پرونده تجاوز گروهی، قتل، تجاوز به دختران خردسال، سنگسار، آتش زدن و... وجود دارد و عوامل بسیاری از این پرونده ها به راحتی در میان جامعه می گردند و شاید در برخی موارد به مقامات دولتی نیز ارتباط داشته باشند، اما وزارت زنان عملاً کاری از پیش برده نتوانسته، و به محکوم کردن های لفظی و توصیه های اخلاقی و گلایه از وضعیت موجود بسنده کرده است.

نهادهای مدنی نیز با مراسم و محافل پررنگانه ای که معمولاً در فضاهای بسته ای چون هتل ها و تالارهای عروسی برگزار می گردد، جز سخنرانی های بی محتوا، شعارهای میان خالی و لاف و گزاف هایی که حتا گویندگان آنها نیز بدان باور ندارند، چیزی برای عرضه ندارند.

این تناقض در عمل و گفتار مردم و دولت و نهادهای اجتماعی و سیاسی افغانستان، بزرگترین دلیل و شاهد بر تناقض در اندیشه و باور آنها دارد. کسانی که عملاً نمی توانند با زنان خود به عنوان موجودات مساوی با خود بنگرند و نمی توانند فراتر از باورهای سنتی و گاه قبیله ای شان فکر کنند، چگونه می توانند، جامعه ای را بسازند که در آن عدالت و مساوات و خصوصاً برابری جنسی به عنوان یک اصل قبول شود.

بی جهت نیست که دامنه تناقض ها در افغانستان چنان گسترده است که به همه ساحات سیاست، اجتماع، اقتصاد و فرهنگ کشور کشانیده شده است. این تناقض را در جنگ به راحتی می بینیم. دولت از چندین ولسوالی عقب نشینی تاکتیکی می کند و در عین حال از قهرمانی و جنگ و برنامه های جنگی می گوید، در عین حالی که وزارت دفاع از ابتدای حکومت وحدت ملی با سرپرست اداره می شود و در کنار آن ریاست امنیت ملی و وزارت داخله نیز با سرپرست اداره می شوند.

پیشنهاد می کنم که سیاستمداران دولت مردانی که در مراسم و محافل بزرگداشت از روز زن، سخنرانی می کنند، زنانشان نیز در کنارشان اشتراک داشته باشند و به جای شعارهایی که هیچ کدام تا کنون عملی نشده اند، فقط چند دقیقه از زنان شان بگویند و یا به زنان شان اجازه بدهند که حرف بزنند و سخنرانی کنند.

اخیراً دو موضوع صلح و جنگ بیش از پیش عناوین خبری را بخود اختصاص داده است. بر بنیاد گزارش های موجود عملیات های نظامی در مناطق جنوبی و شمالی کشور شدت یافته است. شدت یافتن این نبردها در شمال و جنوب اما با دو رویکرد متفاوت جریان دارد؛ در جنوب مخالفان مسلح بویژه طالبان ولسوالی ها و برخی مناطق را یکی بی دیگری در کنترل خود در می آورند و مقام های نظامی و حکومتی آنرا عقب نشینی تاکتیکی و دفاعی توجیه می نمایند؛ ولی در شمال معاون دوم رئیس جمهور بر اساس آنچه خود حکم و دستور رئیس جمهور می خواند تیه به تیه و ولسوالی به ولسوالی در بی طالبان بوده و سخن از شکست و ناکامی آنان و احتمالاً به زانو در آوردن آنان بر زبان می راند.

با توجه به تاریخچه روند صلح و اعلام حمایت های فراوانی که از آن گردیده است، محافل و مراسم های عمومی، رسانه های گروهی و... دیده و خوش بینی هایی در دست یابی آن داده شد؛ و نیز نبرد با تروریسم و مخالفین مسلح از سوی حکومت و جامعه بین المللی که در هر لحظه موفقیت های این نبرد ها در رسانه ها بازتاب داده شده است، اما تاکنون هیچ یک برای مردم نمود عینی و واقعی پیدا ننموده است. آنچه برای مردم واقعیت دارد ادامه خشونت و جنگ و ناامنی است. صلح و دست یابی به آن هم چنان در حد آرزو ها و رویا های دست نیافتنی قرار دارد. به نظر می رسد راز اصلی این داستان باید جای دیگری باشد و قصه نیز قصه دیگری. بر اساس این فرضیه صلح و جنگ دو روی یک سکه اند.

اما در ارتباط با تلاش های تازه تر در روند صلح پس از نشست چهار جانبه امیدواری ها هم چنان دمیده می شوند. در این امید دادن از سرتاج عزیز مشاور امنیت ملی پاکستان تا وزیر خارجه کشور و نیز معاون دوم رئیس جمهور در سنگرهای نبرد مهردست و داستان اند. مشاور امنیت ملی پاکستان ضمن اعلام حمایت جدی دولتش از روند صلح افغانستان اظهار داشته است که پاکستان در نگرانی افغانستان از افزایش خشونت ها به بحث یک چالش کلیدی شریک است و کاهش این خشونت ها یکی از مهم ترین اهداف گفت و گوهای صلح

از هشتم مارچ به عنوان روز همسبستگی زنان در سراسر جهان تجلیل می شود، در افغانستان نیز برنامه های گوناگون از سوی نهادهای مختلف دولتی و غیر دولتی در این روز گرفته می شود. اما در همه ای این برنامه ها فقدان نگاه جدی به مشکلات زنان را می شود به وضوح دید.

زنان در افغانستان مشکلات جدی فراوان دارد و هنوز همان جنس دوم به شمار می روند. هشت مارچ باید بعنوان یک فرصت، روزی باشد، برای اندیشیدن به مشکلات فردی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی زنان افغانستان و طرح راه حل برای بهبود زندگی زنان در سراسر افغانستان.

متأسفانه زنان در افغانستان و بحث از حقوق آنها، بیشتر خلاصه شده است به

## صلح، نقطه سر خط!

شکور



می باشد. در آخرین اظهارات مشاور امنیت ملی پاکستان آمده است که وی حضور رهبران طالبان را در پاکستان به همراه خانواده های شان و برخورداری از آنچه حمایت صحن خوانده می شود معترف گردیده است. هم چنین وی در ارتباط با روند صلح تأکید ورزیده است که اگر رهبران طالبان برای گفتگو حاضر نشوند از خاک پاکستان اخراج خواهند شد. در همین حال وزیر خارجه کشور نیز نسبت به روند صلح خوش بین بوده و امیدوار است که در ابتدای ماه مارچ، گفت و گوهای رودر رو با طالبان شروع شود. هم چنین معاون دوم رئیس جمهور که در سنگرهای نبرد با طالبان حضور دارد در گفتگوهای رسانه ای خود ابراز داشته است که به زودی یکی از مهم ترین رهبران طالبان به روند صلح خواهد پیوست و با این تحول نزدیک به هشتاد درصد جنگ کاهش خواهد یافت.

وی هم چنین تأکید ورزیده است که جنگ و صلح توانمان به پیش برده می شود. با وجود همه این انتظارات و خوش بینی ها سخنگوی رسمی طالبان به رسانه ها اعلام داشته است که طالبان در هیچ گفتگوی شرکت نخواهند ورزید. طالبان در این

اعلام موضع خویش گفته اند که تا وقتی نیروهای خارجی حمله بر مواضع آن ها را متوقف نساخته و افغانستان را ترک نمایند، با حکومت افغانستان هیچگونه مذاکره ای نخواهند داشت. به گزارش رسانه طالبان در بیانیه شان گفته اند: ما بار دیگر موضع خود را تکرار می کنیم که تا رهبران طالبان برای گفتگو حاضر نشوند از خاک پاکستان اخراج خواهند شد. در همین حال وزیر خارجه کشور نیز نسبت به روند صلح خوش بین بوده و امیدوار است که در ابتدای ماه مارچ، گفت و گوهای رودر رو با طالبان شروع شود. هم چنین معاون دوم رئیس جمهور که در سنگرهای نبرد با طالبان حضور دارد در گفتگوهای رسانه ای خود ابراز داشته است که به زودی یکی از مهم ترین رهبران طالبان به روند صلح خواهد پیوست و با این تحول نزدیک به هشتاد درصد جنگ کاهش خواهد یافت.

وی هم چنین تأکید ورزیده است که جنگ و صلح توانمان به پیش برده می شود. با وجود همه این انتظارات و خوش بینی ها سخنگوی رسمی طالبان به رسانه ها اعلام داشته است که طالبان در هیچ گفتگوی شرکت نخواهند ورزید. طالبان در این

زردیک می شویم طالبان مخالفت جدی خود را با این نشست اعلام داشته اند. شرط های اعلام شده شان بر ضد حکومت و متحدانش خواهند جنگید. در فرجام این که این اعلام موضع از سوی طالبان که هرگونه گفتگو با حکومت نفی گردیده است و پیش شرط های مشخصی نیز مطرح و بر آن تأکید شده است می توان دریافت که چشم انداز روند صلح با تیرگی و مسیر آینده آن با دشواری و فراز و نشیب های سخت و پراز وقت است و نتیجه ای نخواهد داشت.

مخالفت صریح طالبان با گفتگو های رو در روی اعلام شده از سوی افغانستان، پاکستان، آمریکا و چین چالش جدی و تازه ای را بر روند پر فراز و نشیب و ناتمام صلح و جنگ در افغانستان ایجاد نمودند و بر خوش بینی ها و امیدواری های حکومت افغانستان و حتا ایالات متحده آمریکا و پاکستان نیز نسبت به گفتگوهای صلح نقطه تردید گذاشته و آن را با تردیدهای جدی مواجه ساخته است. در حالی که حکومت افغانستان امیدوار بود که در نتیجه نشست چهار جانبه و فیصله این نشست که پاکستان نیز پس از سال ها از روابط با طالبان انکار می ورزید و سرانجام معترف گردید، اکنون طالبان نیز بگونه ای حاضر به گفتگو شوند. مخالفت طالبان با گفتگوی رو در روی با حکومت افغانستان و اعلام پیش

## هشت مارچ؛ روزی برای اندیشیدن به مشکلات زنان!

مهدی مدیر



ی تمام مردم افغانستان است و بسیاری از جوانان و تحصیل کرده ها از آن رنج می برند، اما فرصت های شغلی نسبت به مردان برای زنان کمتر وجود داشته است و در واقع زمینه برابر اشتغال برای زن و مرد فراهم نبوده است.

دسترسی زنان به کار، در بلند بردن از دخترانی که واجد شرایط مکتب رفتن هستند، از ابتدای ترین حق انسانی شان که دسترسی به آموزش است، محروم اند. از سوی دیگر با وجود افزایش کمی، متأسفانه کیفیت آموزش برای دختران با معیار های آموزشی هماهنگی ندارد. کمبود آموزگاران زن در نقاط دور افتاده و بعضی ولایات افغانستان، موجب شده تا دخترانی زیادی نتوانند بعد از صنف ششم به درس و تحصیل ادامه دهند. کمبود دانشگاه ها در ولایات افغانستان نیز باعث شده است که بسیاری از دختران جوان بعد از فراغت از مقطع مکتب، دیگر به تحصیل ادامه داده نتوانند؛ زیرا یا خانواده با مهاجرت آنها به شهرهای بزرگ برای تحصیل مخالف است و یا اینکه توان اقتصادی ندارند تا در جریان تحصیل از آنها حمایت مالی بکنند.

دسترسی مساویانه زنان به آموزش و تعلیم در سراسر افغانستان، می تواند زمینه را برای آگاهی بیشتر آنها از حقوق و وظایف شان فراهم بسازد و در نتیجه آنها دیگر قربانی خاموش خشونت و استبداد نخواهند بود و برای دسترسی به حقوق انسانی و قانونی شان اقدام خواهند کرد و به آسانی از حقوق شان نخواهد گذشت. دسترسی زنان به کار و شغل هرچند که بیکاری یکی از مشکلات عمده

زنان شهری افغانستان و کتله ی عظیم از زنان روستایی افغانستان همچنان در فراموشی به سر می برد. در واقع رویدادهای که در ولایت غور در طول سال جاری اتفاق افتاد نشان داد که زنان روستایی افغانستان تا چه حد فراموش شده است، در چه محیطی زندگی می کنند و با چه مشکلاتی دست و پنجه نرم می کنند؛ هرچند که در شهرهای افغانستان نیز هنوز پتانسیل قوی خشونت علیه زنان وجود دارد و نمونه بارز آن قتل فرخنده در آخرین روزهای سال گذشته بود.

آنچه که تا اکنون وجود نداشته نگاه جدی و همچنان نگاه زنانه به مشکلات زنان افغانستان بوده است. بسیاری از برنامه های که موضوع آنها زنان هست، نگاه مردان به زنان است و نه نگاه زن به زن؛ در واقع یک مرد می نشیند و فکر می کند که زن چه باید بکند و چه باید نکند؛ این نگاه هیچگاه نمی تواند یک نگاه غیر جانب دارانه باشد و به کاهش مشکلات زنان بینجامد. زن باید خودش بنشیند و فکر کند و برای مشککش راه حل ارائه کند.

اما مسئله اصلی اینجاست که اکثر زنان در مقامی نیستند که بتوانند تصمیم بگیرند و برای مشکلات شان چاره اندیشی نمایند. استقلال فکری، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی از آنها سلب شده است و تلاشها در این زمینه، هنوز پیشرفت چندانی نکرده است. برای اینکه زنان بتوانند به مراجع تصمیم گیری راه یابند و نقش و حضور آنها از حالت سسمبلیک و نمونه وار خارج شود؛ باید راهکارهای ذیل برای تقویت حضور زنان از سوی دولت و نهادهای بین المللی فعال در عرصه ی امور زنان، در نظر گرفته

شرط برای مذاکره پرسش های زیادی را نیز در ارتباط با خوش بینی های زود هنگام مقام های حکومتی و نیز چگونگی نفوذ پاکستان بر گروه طالبان و حتا دیپلماسی آمریکایی ها و چینیایی ها بر انگیزخته است. حقیقت امر آنست که اعلام مخالفت طالبان در برابر نشست رو در روی با حکومت افغانستان و نتیجه تلاش های گروه هماهنگی چهار جانبه، روند پرچالش و دشوار صلح را بیش از پیش پیچیده تر ساخت و تردید های زیادی را در عرصه های مختلف و مسایل گوناگون و چگونگی نقش هریک از اعضای چهار جانبه آنگونه که خود می گفتند بوجود آورده است. مهم تر از همه این که شفافیت و صداقت این روند بیش از گذشته و به تکرار زیر سوال رفته است. این سوال به اندازه ای جدی است که حتا اگر در خوش بینانه ترین حالت تصور نماییم که شماری از آنان در اولین دور نشست های رو در روی نیز کشانده شوند بخش هایی دیگری از طالبان عملاً در صلح اشتراک نخواهند داشت و تا برآورده شدن شرط های اعلام شده شان بر ضد حکومت و متحدانش خواهند جنگید. در فرجام این که این اعلام موضع از سوی طالبان که هرگونه گفتگو با حکومت نفی گردیده است و پیش شرط های مشخصی نیز مطرح و بر آن تأکید شده است می توان دریافت که چشم انداز روند صلح با تیرگی و مسیر آینده آن با دشواری و فراز و نشیب های سخت و پراز وقت است و نتیجه ای نخواهد داشت.

مخالفت صریح طالبان با گفتگو های رو در روی اعلام شده از سوی افغانستان، پاکستان، آمریکا و چین چالش جدی و تازه ای را بر روند پر فراز و نشیب و ناتمام صلح و جنگ در افغانستان ایجاد نمودند و بر خوش بینی ها و امیدواری های حکومت افغانستان و حتا ایالات متحده آمریکا و پاکستان نیز نسبت به گفتگوهای صلح نقطه تردید گذاشته و آن را با تردیدهای جدی مواجه ساخته است. در حالی که حکومت افغانستان امیدوار بود که در نتیجه نشست چهار جانبه و فیصله این نشست که پاکستان نیز پس از سال ها از روابط با طالبان انکار می ورزید و سرانجام معترف گردید، اکنون طالبان نیز بگونه ای حاضر به گفتگو شوند. مخالفت طالبان با گفتگوی رو در روی با حکومت افغانستان و اعلام پیش

را از آنها سلب می کند.

وقتی برابری اقتصادی وجود نداشته باشد و زنان از استقلال مالی برخوردار نباشند، برآیند آن نابرابری جنسیتی و طبقاتی خواهد بود و فرصت های برابر همواره از زنان گرفته خواهد شد.

توسعه ی فرهنگی زنان با وجود اینکه تعدادی زیادی از زنان در فعالیت های فرهنگی و تقویت آزادی بیان، به ویژه در عرصه رسانه های تصویری، صوتی و نوشتاری مصروف کار اند، اما تعدادی انگشت شمار آنها در پست های عالی این اداره ها قرار دارند و عده محدود از آنها وسایل ارتباط جمعی، را کنترل می کنند. زنان از لحاظ فرهنگی باید توانمند شوند و قدرت کنترل و استفاده از وسایل ارتباط جمعی را پیدا بکنند. فکر می کنم هیچ زنی در افغانستان نیست که یکی از شبکه های تلویزیونی را رهبری کند و سیاست گذاری نشراتی آن در دست یک زن باشد، این می تواند به غلبه ی فرهنگی مردان بر زنان بینجامد و سلطه ی فرهنگی مردان همچنان بر زنان حفظ گردد.

هرچند که اکنون سه تا زن در کابینه ی حکومت وحدت ملی بعنوان وزیر کار می کنند، زنان نماینده های پارلمان و سنا هستند و والی و ولسوال زن وجود دارد و در هیئت رهبری شورای عالی صلح نیز یک زن حضور دارد، با وجود این پیشرفت ها، زنان در شورای عالی قضاات افغانستان عضویت ندارند، و در ترکیب شورای امنیت ملی و دیگر پست های که در آن تصمیم گیری های سرزودت ساز سیاسی صورت می گیرد، نیز حضور ندارند. مشارکت سیاسی زنان و حضور آنها در پست های مهم دولتی می تواند زمینه را برای برابری جنسیتی بهتر فراهم سازد و همچنان خودباوری و اعتماد به نفس را در مسایر زنان جامعه بوجود بیاورد و برای آنها انگیزه تلاش و بیکار را خلق بکند.

روز هشتم مارچ باید روزی باشد که زنان افغانستان به موارد بالا به صورت جدی بپندیشند و مطالبات شان را در زمینه های فوق بصورت روشن و واضح بیان کنند. همچنان باید تلاش شود تا نقطه تمرکز از زنان شهری به زنان روستایی تغییر یابد و به آگاهی و حقوق زنان روستایی بیشتر توجه صورت گیرد و زمینه ی آموزش و تعلیم، دسترسی به صحت و سایر نیازهای اولیه زندگی برای آنها فراهم گردد. زیرا اکثر زنان روستایی افغانستان قربانیان خاموش خشونت و استبداد هستند و هنوز دردها و مشکلات آنها انعکاس داده نشده است.

- صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا
- مدیر مسوول: محمد رضا هویدا
- سردبیر: حفیظ الله زکی
- کاریکاتورست: خالق علی زاده

- دبیران: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
- مسوول وب سایت: غلام عباس اصلان

□ آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷ - ۱۳۲

روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان

دعوت به همکاری می نماید.

هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد.

مقالات وارده بازگردانده نمی شود.

مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله یانگور

دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.

www.dailyafghanistan.com

Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

افغانستان  
The Daily Afghanistan

Outlook  
AFGHANISTAN  
The Leading Independent Magazine